

# گاهنامه سیاسی بصائر

موضوع : علل و انگیزه های تحریف امام (ره)

بِسْمِ اللَّهِ

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## علل و انگیزه های تحریف امام و پیامدهای احتمالی آن

### چکیده

یکی از آفات و آسیبهای جدی، تحریف اندیشه ها و مکتب فکری شخصیت هایی است که مبانی و ارزش های جامعه مبتنی بر اندیشه های آنهاست. تحریف اندیشه ها و اصول مکتب امام خمینی (ره) مرحله جدیدی از پروژه‌ی امام‌زدایی است که با هدف تغییر نظام ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی از سوی دلبستگان لیبرالیسم و عدول کردگان از اندیشه‌های امام راحل، آغاز شده است و در نهایت می‌خواهد استحاله جامعه اسلامی و نظام جمهوری اسلامی را رقم بزند. در این نوشتار، علل و انگیزه های تحریف امام و پیامدهای احتمالی آن مورد بررسی اجمالی قرار می‌گیرد.

**کلید واژه ها:** مکتب امام خمینی (ره)، تحریف، انگیزه ها، پیامدها

### مقدمه

رهبر فرزانه انقلاب در ۱۴ خرداد امسال در تبیین اهمیت " تحریف شخصیت امام " تاکید کردند: «امام بزرگوار بر خلاف برخی که سعی می کنند او را در زمان خودش محصور کنند مظهر حرکت عظیم و تاریخ ساز ملت ایران است و طبعا تحریف شخصیت او ، زیانهای فراوانی را در استمرار این حرکت ایجاد میکند بنابراین باید در این زمینه ، کاملاً هوشیار بود». ایشان، مکتب "فکری، سیاسی و اجتماعی" امام خمینی را "نقشه راه ملت ایران" برای دستیابی به اهداف بزرگی همچون عدالت و پیشرفت و اقتدار برشمردند و فرمودند: « بدون شناخت " صحیح و تحریف نشده امام " امکان تداوم این نقشه راه وجود نخواهد داشت . تحریف شخصیت امام ، تحریف راه امام و تلاش برای منحرف کردن صراط مستقیم ملت ایران است و اگر راه امام (ره) گم یا فراموش و یا خدائی نکرده عمدا به کنار گذاشته شود ، ملت ایران سیلی خواهد خورد.»

در چندین سال گذشته، پس از روشنگری و آگاهی بخشی خواص وفادار به گفتمان انقلاب اسلامی، پیرامون پروژه‌ی امام‌زدایی و سناریوی تغییر و استحاله، واکنش جامعه به جریان تجدیدنظرطلب، بسیار هوشمندانه، به موقع و تحسین برانگیز بوده است. بر این اساس منحرفین از اندیشه‌های نورانی روح خدا، شیوه‌ی دیگری را برای مرحله‌ی جدید امام‌زدایی در دستور کار قرار داده‌اند. جریان پیچیده نفاق

جدید، به جای ایجاد تردید، تشکیک، نفی و انکار اندیشه‌های امام بزرگوار و همچنین ستیزه‌جویی با راه امام عظیم‌الشأن راحل، به تحریف مکتب امام خمینی و ارائه قرائت‌های انحرافی از اصول آن روی آورده‌اند تا از این طریق با کم‌رنگ ساختن حضور معنوی و فکری حضرت امام، نظام ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی را تضعیف نمایند.

از این رهگذر، تجدیدنظرطلبان به حاشیه راندن گفتمان انقلاب اسلامی در جامعه و بسترسازی برای تغییر و استحاله جمهوری اسلامی را به انتظار نشسته‌اند. نظام سلطه و دشمنان انقلاب اسلامی با متحمل شدن شکست‌های پی‌درپی در مقابل جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در فتنه ۸۸، یک‌بار دیگر سناریوی پیچیده و بسیار خطرناکی را طراحی نموده‌اند. طراحان و کارگزاران این سناریو، با بهره‌گیری از عوامل نفوذی، تجدیدنظرطلبان و منحرفین از مکتب امام خمینی، تغییر و استحاله‌ی جامعه و نظام از ساخت و هویت خود، مدنظر قرار داده‌اند.

در این رابطه رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با کارگزاران نظام (۹۲/۴/۳۰) با خطرناک دانستن تفسیر غلط از دیدگاه‌های امام می‌فرمایند: «جهت‌گیری‌های صحیح انقلاب و کشور بر اساس قرائت معتبر امام، در همه زمینه‌ها مشخص است و نیازی به بررسی مجدد جهت‌گیری‌ها نیست... قرائت امام که در سخنان، نوشته‌ها و آثار ایشان، از جمله در وصیت‌نامه آن بزرگوار، کاملاً بین و آشکار است، به‌عنوان حجت و شاخص مورد قبول نخبگان، زبندگان، مسئولان و آحاد ملت است. البته گاه تفسیر غلطی از دیدگاه‌های امام ارائه می‌شود که کار بد و خطرناکی است.»

#### مفهوم تحریف

تحریف یعنی منحرف کردن چیزی از مسیر و وضع اصلی خود. به عبارت دیگر، تحریف نوعی تغییر و تبدیل است، ولی تحریف مشتمل بر چیزی است که کلمه‌ی تغییر و تبدیل نیست. اگر کاری کنند که جمله‌ای، نامه‌ای و عبارتی، آن مقصودی را که باید بفهماند، نفهماند و مقصود دیگری را بفهماند، می‌گویند این عبارت را تحریف کرده‌اند. تحریف یک شخصیت یا حادثه تاریخی و یا یک

مکتب فکری نیز این است که علل و انگیزه های آن را به گونه ای غیر از آنچه که بوده است بگوییم، یا هدف و منظور آن را به گونه ای غیر از آنچه که بوده است تفسیر کنیم.

### انواع تحریف

استاد شهید مطهری می فرماید: تحریف انواعی دارد که مهم ترین آنها عبارت است از: « تحریف لفظی» و «تحریف معنوی». تحریف لفظی این است که ظاهر مطلبی را عوض کنند، مثلاً از یک گفتار عبارتی حذف شود یا به آن عبارتی اضافه شود، و یا جمله ها را چنان پس و پیش کنند که معنی آن فرق کند، یعنی در ظاهر و در لفظ گفتار تصرف کنند. تحریف معنوی یعنی تفسیر سخنی برخلاف معانی ظاهرش و در نظر گرفتن معنایی دیگر برای آن بدون هیچ دلیل و قرینه ای. گویا هر سخن طبق قانون وضع الفاظ مجرای طبیعی و عادی دارد که به معنا و مضمون خود دلالت می کند، اما تحریف کننده، آن را از مجرای طبیعی و معنای اصلی منحرف می کند و به کناری می برد.

از دیدگاه شهید مطهری تحریف معنوی یعنی «منحرف کردن روح و معنی یک جمله یا یک حادثه». بنابراین در این گونه تحریف، عبارات و الفاظ تغییری نمی یابد، لکن بر خلاف معنای اصلی و مقصود گوینده، توجیه می شود. تحریف معنوی بسیار خطرناک تر از تحریف لفظی است یعنی اثر سوء تحریفات معنوی از تحریفات لفظی بیشتر است. برای نمونه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره ی عمار یاسر فرمود: «یا عَمَارُ تَقْتُلُكَ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ وَ أَنْتَ إِذْ ذَاكَ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَكَ. ای عمار! جمعی یاغی و سرکش از دین و ستمکار، تو را می کشند و تو آن روز با حقی و حق با تو است». از این رو، بعد از شهادت عمار در جنگ صفین، در لشکر معاویه تزلزل و تردید حاصل شد. معاویه که همیشه با حیله و نیرنگ کار خود را پیش می برد، این بار با تحریف معنوی و تفسیر ناروای عمرو بن عاص، جان تازه ای به لشکر بخشید. او گفت: عمار را ما نکشتیم، عمار را علی کشت که او را به این میدان آورد و موجبات کشته شدنش را فراهم کرد.

### خطر تحریف

خطر تحریف فوق العاده زیاد است. یک کتاب که تحریف می شود (چه تحریف لفظی، چه تحریف معنوی) اگر کتاب هدایت باشد تبدیل به کتاب ضلالت می شود اگر کتاب سعادت باشد تبدیل

به کتاب شقاوت می شود. اگر کتابی باشد که انسان را رو به بالا می برد، در اثر تحریف رو به پائین می آورد. اساساً آن حقیقت را به کلی عوض می کند. نه تنها بدون خاصیت می کند، بلکه اثر معکوس می بخشد، هر چیزی آفتی متناسب با خودش دارد. استاد شهید مطهری این حرکت زشت را این گونه ترسیم کرده است: «تحریف از پشت خنجر زدن است. ضربت غیرمستقیم است که از ضربت مستقیم خطرناکتر است».

### انگیزه های تحریف شخصیت و مکتب امام خمینی

هر رفتار انسانی و اجتماعی مبتنی بر انگیزه ها و علل ایجاد خاصی است. از این رو در جستجوی انگیزه های تحریف شخصیت و مکتب امام خمینی در این جا به بخشی از آن ها اشاره می شود:

۱. ایجاد ادراک اشتباه (اشتباه محاسباتی) برای مسئولان و مردم از ارکان اصلی شخصیت امام خمینی

۲. ایجاد غفلت نسبت به آرمان ها و ارکان اصلی شخصیت و مکتب فکری امام خمینی به عنوان مبنای اقتدار و ساخت درونی جمهوری اسلامی ایران

۳. اجتماعی نمودن تغییر آرمان ها و ارزش ها با عرفی سازی اصول مکتب امام خمینی

۴. حساسیت زدایی از خواص و آحاد مردم از طریق تحریف مکتب امام و اصول آن (ارائه ی قرائت ها و تفاسیر غلط و انحرافی از راه و اندیشه ی امام) برای زمینه سازی سناریوی تغییر و استحاله

۵. فریبکاری و گمراه سازی افکار عمومی تا بدین وسیله، افکار و رفتار غلط خود را به آرمان ها و اصول اندیشه امام خمینی نسبت دهند

۶. بازسازی اعتماد ازدست رفته خود نزد مردم بدین صورت که خیانت ها و بی وفایی به اصول حقیقی امام را بی اشکال جلوه دهند تا رفتار ناشایست خود را توجیه و سلب اعتماد دیگران را بازسازی نمایند

۷. به هم ریختن انسجام ملی و دوقطبی سازی حاکمیت و جامعه با ایجاد موج تغییرطلبی و بهره گیری از فرآیندهای انتخابات آتی

۸. رویارویی بخشی از جامعه با اصول واقعی مکتب امام خمینی از طریق هدایت و موج آفرینی تجدیدنظرطلبان و فتنه گران

۹. رسیدن و دست یابی به اهداف دنیوی به این معنا که وقتی مطالبی را به امام نسبت دهند، دینداران به آسانی آن را پذیرفته و بدان عمل می کنند و واکنش منفی از خود نشان نمی دهند

### **پیامدهای تحریف شخصیت و مکتب امام خمینی**

تحریف شخصیت و مکتب امام خمینی به طور طبیعی، ضرر و زیانهایی را به همراه دارد که به برخی از آنها به اجمال اشاره می کنیم:

۱. راه یافتن ابهام و نارسایی و دشواری در فهم مبانی و اصول اساسی مکتب امام خمینی برای جامعه بویژه نسل جوان

۲. تعارض و اختلاف و اعمال سلیقه در بیان مبانی و اصول اساسی مکتب امام خمینی

۳. اضطراب و تشویش افکار عمومی برای درک مبانی و اصول واقعی مکتب امام خمینی

۴. نفی هویت و ساخت حقیقی نظام و جامعه دینی با ارائه الگوی غلط و نادرست از مکتب و شخصیت امام خمینی

۵. زمینه سازی برای تغییر و استحاله مبانی و آرمان های نظام مقدس جمهوری اسلامی با تغییر مفاهیم و آموزه های مکتب امام خمینی

۶. رجعت تدریجی جامعه بر مدار نظام سلطه با به فراموشی سپرده شدن مبانی و اصول واقعی مکتب امام خمینی

۷. تبدیل شدن مکتب امام خمینی و اصول آن به عنوان عامل توجیه در سازشکاری و پذیرش سلطه بیگانگان و استکبار

۸. تضعیف و امحای تاثیر مکتب امام خمینی بر تحولات منطقه ای و تحکیم عمق نفوذ انقلاب اسلامی در جهان

### **نتیجه گیری**

خطر تحریف شخصیت و مکتب امام خمینی برای انقلاب اسلامی، بسیار جدی است، چرا که به تعبیر استاد شهید مطهری «تحریف از پشت خنجر زدن است. ضربت غیرمستقیم است که از ضربت مستقیم خطرناکتر است». بدخواهان انقلاب اسلامی، تحریف شخصیت و مکتب امام خمینی را به طور جدی در دستور کار خود قرار داده اند و طی سالهای گذشته به ارائه قرائت های انحرافی از اصول مکتب

امام روی آورده‌اند تا با کم‌رنگ ساختن حضور معنوی و فکری حضرت امام، نظام ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی را تضعیف نمایند.

بنابراین دور شدن از مکتب ناب امام خمینی (ره) نسبت مستقیم با تغییر نظام ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی و استحاله‌ی جامعه و نظام دارد. در این رابطه انگیزه‌ها و پیامدهای متعددی وجود دارد که بعضی از آنها در این مجال مختصر مورد اشاره قرار گرفت

منابع:

۱- مرتضی مطهری- حماسه حسینی، ج اول، (تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۸)

۲- ر.ک <http://www.borhan.ir>

۳- ر.ک [/http://www.tebyan-zanjan.ir](http://www.tebyan-zanjan.ir)



## یک روز تاریخی در ترکیه

شکی نیست که هفتم ژوئن روزی تاریخی در ترکیه بود. انتخابات پارلمانی در این روز برگزار شد و رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، انتظار داشت تا حزب عدالت و توسعه او با یک پیروزی قاطع هم حاکمیت بلامنازع سیزده ساله خود را در این کشور ادامه بدهد و هم آن که سرنوشت سیاسی ترکیه را به طور کلی تغییر دهد. هدف اساسی این حزب در تغییر قانون اساسی ترکیه بود که همین را هم به عنوان شعار اصلی انتخاباتی خود مطرح کرده بود تا آن که بتواند نظام پارلمانی کشور را به نظام ریاستی تغییر بدهد. اگر عدالت و توسعه دست کم دو سوم از ۵۵۰ کرسی پارلمان را به دست می آورد، می توانست این تغییر را به طور مستقیم و از طریق پارلمان انجام دهد و اگر به ۳۳۲ کرسی می رسید مجوز برگزاری همه پرسی را در پارلمان به اردوغان می داد.

حالا عدالت و توسعه با کمی بیشتر از ۴۰ درصد آراء تنها توانسته ۲۵۸ کرسی را به دست آورد که با این تعداد کرسی از رسیدن به آن هدف بازمانده است. علاوه بر این، عدالت و توسعه با نتیجه ای که به دست آورده دیگر حاکمیت بلامنازع خود را طی این سیزده ساله گذشته از دست داده و به دوره ای از چالش جدی با احزاب دیگر در پارلمان وارد شده است. چالش فعلی اردوغان و حزب او در تشکیل دولت است که چه گزینه ای در پیش رو دارد و کدام یک را انتخاب خواهد کرد اما مخالفت های احزاب دیگر با سیاست های داخلی و خارجی او سلسله چالش هایی را برای او ایجاد می کند که جدال بر سر هر کدام مشکلات قابل توجهی را برای او در پی دارد.

### گزینه های موجود

به طور کلی، اردوغان با دو گزینه برای تشکیل دولت روبرو است. گزینه نخست در تشکیل دولت با اتکاء به همان ۲۵۸ کرسی حزبی و بدون ائتلاف با دیگر احزاب است. این گزینه به معنای تشکیل دولتی است که اکثریت کرسی های پارلمان در دست احزاب مخالف است که به نام دولت اقلیت خوانده می شود. شکی نیست که دولت اقلیت نمی تواند در تعامل با مجلسی متشکل از اکثریت مخالف کار آسانی داشته باشد به خصوص این که آن اکثریت در سیاست های عمده این دولت سرناسازگاری دارد. البته اردوغان می تواند امید داشته باشد که ناسازگاری های این اکثریت با دولت اقلیت او بهانه کافی را در

اختیارش قرار دهد تا آن که انتخابات پارلمانی زودهنگام برگزار کرده تا شاید حزمش در آن انتخابات به اکثریت مطلق دست بیابد. گزینه دوم اردوغان در تشکیل دولت ائتلافی است با سه حزب دیگری که به پارلمان راه یافته‌اند.

حزب جمهوری خواه خلق با داشتن ۱۳۲ کرسی دومین حزب بعد از عدالت و توسعه و اصلی ترین مخالف این حزب در پارلمان است. معلوم است که نه این حزب و نه اردوغان حاضر به مشارکت سیاسی با یکدیگر نیستند و اردوغان نمی‌تواند با این حزب دولت ائتلافی تشکیل بدهد. حزب سوم در پارلمان حرکت ملی است که سیاست افراطی ملی‌گرایانه یا به عبارتی کمالیستی دارد و به همین دلیل با مبنای نو عثمان‌گرایی اردوغان و حزمش در تعارض است. حزب دموکراتیک خلق‌ها به رهبری صلاح‌الدین دمیرتاش چهارمین حزب در پارلمان است که با کسب نزدیک به ۱۳ درصد آراء توانست از حد نصاب قانونی ۱۰ درصدی عبور کرده و ۷۹ کرسی را به دست آورد. این حزب به واسطه ائتلاف کردها با دیگر اقلیت‌ها به ویژه علوی‌های ترکیه به این میزان رای رسید و در واقع، مطالبات اقلیت‌های ترکیه را دنبال می‌کند که به نظر دمیرتاش، اردوغان طی ۱۲ سال حاکمیت خود نادیده گرفته است. این حزب با چنین دیدگاهی در صف مخالفین اردوغان و حزب او قرار دارد و دمیرتاش اعلام کرده به هیچ وجه حاضر به ائتلافی با عدالت و توسعه نخواهد شد.

#### **جبهه متحد مخالفین**

با نگاهی کوتاه به دیدگاه و شعارهای انتخاباتی سه حزب دیگر معلوم می‌شود که آنها انتخابات هفتم ژوئن را به مثابه جدال با اردوغان برای جلوگیری از او برای رسیدن به قدرت بلامنازع در ترکیه می‌دانستند. به همین جهت است که آنها قصد اردوغان برای تغییر قانون اساسی و ایجاد نظام ریاستی در ترکیه را به معنای رسیدن این کشور به دوران دیکتاتوری تعبیر می‌کردند و مبارزه خود را به نام دموکراسی پیش می‌بردند. آنها توانستند با تمرکز بر این دیدگاه بخش قابل توجهی از آراء را به سوی خود جلب کنند که در این میان، حزب دموکراتیک خلق‌ها نقش قابل توجهی را داشت و حتی می‌توان گفت که شکستی‌ساز هفتم ژوئن همین حزب بود.

حد نصاب ۱۰ درصدی باعث شده بود که احزاب کرد در استان‌های کردنشین ترکیه موفقیتی نداشته باشند و تنها تعدادی افراد مستقل از این استان‌ها به پارلمان راه می‌یافتند و اکثر کرسی‌های آنها نصیب عدالت و توسعه می‌شد. به همین جهت بود که عدالت و توسعه با برخورداری از کرسی‌های بادآورده این استان‌ها اکثریت مطلق در پارلمان را به دست می‌آورد اما اتفاقات چند سال اخیر باعث تغییر در اوضاع شد. از یک سو، کردها از تجربه کوبانی دریافتند که وعده‌های اردوغان برای صلح جز شعار توخالی چیز دیگری نیست و وقتی که او منکر مسئله کردی در ترکیه شد، بی‌اعتمادی کردها به او بیشتر از گذشته شد. از سوی دیگر، علوی‌های ترکیه از مداخله جویی‌های اردوغان در سوریه دریافتند که او با ایدئولوژی نوع‌مانی خود به دنبال نابودی علوی‌ها است و به همین دلیل به صف مخالفان او پیوستند.

نتیجه این تجربه کردها و علوی‌ها در ائتلاف دو اقلیت بزرگ ترکیه بود که حدود ۳۰ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند و هر دو جریان در حزب دموکراتیک خلق‌ها ائتلاف بزرگ اقلیت‌ها را تشکیل دادند. این ترکیب با کسب حدود ۱۳ درصد آراء توانست برای نخستین بار حزبی را از استان‌های شرقی ترکیه روانه پارلمان کند و کرسی‌های بادآورده را از دست عدالت و توسعه درآورد تا این حزب دیگر نتواند مثل گذشته اکثریت مطلق را در پارلمان داشته باشد. هر چند که حزب دموکراتیک خلق‌ها جایگاه چهارمین حزب را در پارلمان دارد اما تاثیر آن به لحاظ محرومیت عدالت و توسعه از داشتن اکثریت مطلق قابل توجه است تا آنجا که می‌توان گفت پیروز اصلی هفتم ژوئن همین حزب دموکراتیک خلق‌ها است.

### نتایج هفتم ژوئن

اردوغان می‌تواند با تشکیل دولت اقلیت و چالش‌های آن با پارلمان متشکل از اکثریت مخالف به انتظار انتخابات زودهنگام بنشیند تا شانس پیروزی قاطع حزیش در آن انتخابات را داشته باشد هر چند که هفتم ژوئن ثابت کرده که او چنین شانس ندارد. در واقع، هفتم ژوئن را می‌توان نقطه‌ای تعیین کننده در سیر سیاسی او و حزیش دانست که بعد از یک دوره صعود به این نقطه رسیده و باید انتظار حرکت نزولی را داشته باشد. شاید هنوز زود باشد که بتوان از افول سیاسی او و حزیش گفت اما هفتم ژوئن ثابت کرد که سیر او دیگر صعودی نیست و دیگر نمی‌تواند به روزهای خوش گذشته بازگردد. حالا باید دید که تا

چه میزان به واقعیت این روز پی برده و با درس گرفتن از آن حاضر به تجدید نظر در سیاست‌هایش است. از یک طرف، ۱۲ سال حاکمیت او نشان داده که به شدت پایبند به ایدئولوژی نوعثمان‌گرای خود است و شخصیتی تک‌رو، سرسخت و حتی یک‌دنده دارد و حاضر به تجدید نظر در هیچ کدام از برنامه‌ها و سیاست‌هایش نیست. از طرف دیگر، هفتم ژوئن زنگ خطر را برای او به صدا درآورده که خبر از سرنوشت سیاسی رو به افول او و حزبش می‌دهد. روشن است که او به عنوان فردی سیاستمدار به این زنگ گوش می‌دهد اما معلوم نیست که حاضر بشود در سیاست‌هایش نسبت به کردها در ترکیه، حمایت از گروه‌های تروریستی در سوریه و عراق و مطالبات سیاسی دیگر احزاب تجدیدنظر بکند. از این جهت، او باز هم برای رسیدن به قدرت مطلقه در ترکیه دست و پا خواهد زد اما واقعیت امر این است که هفتم ژوئن نقطه پایانی بر این ماجرا و به همین جهت، روزی تاریخی در ترکیه است.